



بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - 18 شهریور / 1394

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصلّاة و السّلام علی سیدنا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خوشامد عرض میکنیم به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که از شهرهای مختلف رنج سفر را تحمل فرمودید و زحمت کشیدید و تشریف آوردید و فضای حسینیّه‌ی ما را با حضور خودتان، با احساسات خودتان متبرک کردید. بخصوص برادران و خواهرانی که از راه‌های دور تشریف آوردند، و امیدواریم که رحمت الهی و فضل الهی شامل حال یکایک شما برادران و خواهران باشد.

این ایّام تصادفاً مقارن است با ایّام متبرک ماه ذی‌قعدة و روزهای پرخاطره‌ی ماه شهریور. برکات ماه ذی‌قعدة هم برکات فراوانی است؛ خاطرات شهریورماه هم خاطرات پرمعنا و پرمغزی است. ماه مبارک ذی‌قعدة، اوّل ماه‌های حرام است؛ یازدهم این ماه ولادت مبارک حضرت ثامن‌الحجج (علیه آلاف التّحیّة و الثّناء) و دهه‌ی کرامت است؛ روز بیست‌وسوم این ماه روز زیارتی مخصوص حضرت ثامن‌الحجج (علیه الصلّاة و السّلام) است؛ روز بیست‌وپنجم این ماه روز دحوالارض است که روز با برکتی است؛ شب نیمه‌ی ماه ذی‌قعدة از شبهای متبرک سال است که اعمالی دارد؛ روزهای یکشنبه‌ی ماه ذی‌قعدة ایّام توبه و انابه است و عملی دارد که مرحوم عارف بزرگوار حاج میرزا جواد آقای ملکی در المراقبات نقل میکند از رسول مکرّم اسلام که خطاب به اصحاب خود فرمود: کدام از شماها مایلید توبه کنید؟ همه گفتند ما میخواهیم توبه کنیم -ظاهراً ماه ذی‌قعدة بوده است- طبق این نقل و این روایت حضرت فرمودند که در روزهای یکشنبه‌ی این ماه این نماز را -یک نمازی با یک خصوصیتی در مراقبات ایشان ذکر میکنند- انجام بدهید. غرض، ایّام در ماه ذی‌قعدة که اوّل ماه‌های حرام است در این سه ماه متوالی، ایّام و لیالی مبارک و متبرکی است، پر از برکات است؛ باید از اینها استفاده کرد.

ماه شهریور هم از ماه‌های پرخاطره است. هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷، یعنی چند ماه به پیروزی انقلاب، در همین میدان شهدای تهران، عوامل رژیم طاغوت مردم بی‌پناه را به رگبار مسلسل بستند و تعداد زیادی -که هنوز هم برای ما معلوم نیست لکن تعداد کثیری [بودند]- از مردم را در آن میدان به قتل رساندند. در همین ماه شهریور، ترور ناجوانمردانه‌ی رئیس جمهور و نخست‌وزیر کشور -مرحوم شهید رجائی و مرحوم شهید باهنر- اتفاق افتاد. در همین ماه شهریور، ترور شهید آیت‌الله قدوسی -دادستان کلّ کشور- اتفاق افتاد. در همین ماه شهریور، شهادت امام جمعه‌ی تبریز (۱) به‌دست منافقین اتفاق افتاد. در همین ماه شهریور -روز آخر شهریور- حمله‌ی نظامی رژیم بعثی صدام به کشور اتفاق افتاد. اینها خاطرات عجیبی است، پرمعنا است، پرمغز است. در همه‌ی این حوادث، رژیم آمریکا پشت قضیه بود؛ عوامل آمریکایی بودند که یا به‌طور مستقیم کمک کردند یا تشویق کردند یا حداقل چشمشان را بر این جنایات بستند.

جوانهای ما باید این خاطرات را فراموش نکنند؛ یکی از چیزهایی که بنده نگران آن هستم، این است که این نسل جوان بالنده‌ی ما که بحمدالله، هم آگاه و با بصیرت است، هم دارای انگیزه است، آماده به‌کار است، وسط میدان است، انقلابی است، بتدریج این حوادث مهم را، این عبرتهای بزرگ دوران معاصر را از یاد ببرد؛ این کم‌کاری ما



است، کم‌کاری دستگاه‌های مسئول است؛ این حوادث نباید کهنه بشود؛ حافظه‌ی تاریخی یک ملت نباید ضعیف بشود. اگر جوانهای ما در سرتاسر کشور این حوادث را ندانند، تحلیل نکنند، عمق‌یابی نکنند، در شناخت کشورشان و در شناخت آینده دچار اشتباه خواهند شد. جوانها باید این حوادث را درست بشناسند و بدانند که چه شد، چه اتفاق افتاد، چه کسی بود؛ اینها را باید جوانها بفهمند.

یک کشتار دیگری مثل کشتار هفدهم شهریور، در هشتم بهمن در همین میدان انقلاب در اینجا اتفاق افتاد که غالباً بی‌توجه به آن هستند؛ عوامل رژیم افتادند به جان مردم. از خاطرات این ژنرال آمریکایی (۲) که در روزهای آخر عمر رژیم گذشته برای نجات رژیم به تهران آمده بود، نقل کردند؛ او میگوید من ژنرال‌های شاه را جمع کردم و به آنها گفتم که لوله‌های تفنگها را پایین بیاورید؛ یعنی مسلحین رژیم شاه که با مردم مواجه بودند، خیلی اوقات تیرهای هوایی میزدند که مردم را بترسانند، این آقا به ژنرال‌های شاه توصیه میکند و میگوید لوله‌ی تفنگها را بیاورید پایین و به مردم بزنید؛ آنها هم اینجا در این میدان انقلاب به این دستور عمل کردند؛ لوله‌های تفنگ را پایین آوردند، مردم را هدف قرار دادند، عده‌ی زیادی را به شهادت رساندند؛ ولی اثر نکرد، مردم عقب نرفتند، مردم ادامه دادند. بعد یکی از فرماندهان ارتش شاه - ارتشبد قره‌باغی - می‌آید پیش هاینر و میگوید این دستور تو فایده‌ای نداشت و مردم را نتوانست به عقب براند. هاینر در خاطراتش مینویسد که چقدر اینها تحلیل‌های کودکانه‌ای دارند یعنی چه؟ یعنی [میگوید] توقع قره‌باغی این بود که با یک بار مردم را به رگبار بستن قضیه تمام میشود؛ نه، باید ادامه پیدا کند، باید هرجا با مردم مواجه میشوند، آنها را قتل‌عام کنند! آمریکا این است؛ آمریکا ۲۵ سال در این کشور حاکمیت مطلق داشته است؛ به ژنرال‌های رژیم شاه این جور دستور میدهد؛ در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های امنیتی، در زمینه‌های سیاست خارجی، در ایران حرف حرف آمریکایی‌ها بود؛ حاکمیت مطلق آمریکا در دوران رژیم طاغوت. این جور رژیمی بر کشور ما حکومت میکرد که افسرش هم تابع آمریکایی است، وزیر دارایی‌اش هم تابع او است، وزیر دفاعش هم تابع او است، نخست‌وزیرش هم تابع او است، خود شاه هم تابع آمریکا است؛ بی‌چون و چرا! یک چنین رژیمی بر این مملکت حکومت میکرد.

آمریکا در کشور ما فرعونیت میکرد، مثل فرعون: یَسْتَضَعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ یُدِیحْ اِبْنَاءَهُمْ وَ یَسْتَحِی نِسَاءَهُمْ؛ (۳) با مردم ما این جور رفتار میکردند؛ موسای زمان آمد، تخت و بخت این فرعون و دنباله‌روهای او را واژگون کرد و از بین برد؛ انقلاب این است. یک سال و دو ماه بعد از همین حادثه‌ی شهریور - یعنی در آبان ۱۳۵۸ - جوانان امام بزرگوار ما، جوانان پیرو خط امام، رفتند این جاسوس‌خانه‌ی آمریکا را فتح کردند؛ آمریکایی‌ها را دست‌بسته و چشم‌بسته اسیر خودشان کردند؛ موسی این دفعه فرعون را این جور شکست داد. حالا بعضی میگویند چرا آمریکایی‌ها با ایران بدند؟ خب علتش همین است؛ ایران یکسره در مشت آمریکا بود، در دست آمریکا بود؛ همه‌ی اجزای اصلی وجود کشور با اراده‌ی آمریکایی‌ها حرکت میکرد؛ امام آمد و به وسیله‌ی این مردم، آمریکا را از این مملکت بیرون کرد؛ باید هم دشمن باشند، باید هم دشمنی بکنند؛ و دارند میکنند، همین حالا دارند دشمنی میکنند.

امام بزرگوار فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ (۴) این «شیطان بزرگ» خیلی حرف پرمغزی است. رئیس همه‌ی شیطانهای عالم، ابلیس است؛ اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که میتواند بکند این است که انسانها را اغواء میکند؛ بیشتر از اغواء، کاری نمیتواند بکند؛ انسانها را اغواء میکند، فریب میدهد، وسوسه میکند؛ اما آمریکا، هم اغواء میکند، هم کشتار میکند، هم تحریم میکند، هم فریب میدهد، هم ریاکاری میکند؛ پرچم حقوق بشر را بلند میکند، ادعای طرفداری از حقوق بشر میکند [اما] هر چند روز یک بار در خیابانهای شهرهای آمریکا یک بی‌گناهی،



یک بی‌سلاحی به دست پلیس آمریکا به خاک و خون می‌غلند؛ غیر از بقیه‌ی جنایات و فجایعشان. این هم رفتارشان در ایران در دوران رژیم طاغوت و جنگ آفرینی‌هایشان، جنگ افروزی‌هایشان، به راه انداختن جریانهای جنگ افروز از قبیل همینهایی که حالا در عراق و سوریه و بقیه‌ی جاها مشغول خرابکاری هستند؛ اینها کارهای آمریکا است. حالا بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات - که از ابلیس بدتر است - بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین به کنار، انقلابیگری به کنار؛ وفاداری به مصالح کشور چه میشود؟ عقل چه میشود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه میدهد که انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به عنوان دوست، به عنوان مورد اعتماد، به عنوان فرشته‌ی نجات انتخاب بکند؟ این [گونه] هستند؛ حقیقت امر این است. بله، خودشان را می‌آرایند؛ با ظاهر اتوکشیده، با کراوات، با ادکلن، با ظواهر بظاهر چشمگیر، خودشان را در چشم افراد ساده‌لوح جور دیگری جلوه میدهند؛ حقیقت رژیم آمریکا اینها است. این در مورد ما است؛ در مورد کشورهای دیگر هم همین جور است. ملت بزرگ ایران این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد؛ نباید بگذاریم دوباره برگردد؛ نباید بگذاریم از در رفت، از پنجره برگردد؛ نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند؛ دشمنی اینها تمام نمیشود.

بعد از قضیه‌ی «برجام» و این توافقی که سرنوشت آن هم اینجا و آنجا درست معلوم نیست، الان همین حالا در کنگره‌ی آمریکا علیه ایران مشغول توطئه‌اند؛ خبرهایی که به ما میرسد، نشان میدهد که همین حالا یک عده‌ای در داخل کنگره‌ی آمریکا مشغول طراحی مصوبه‌ای هستند برای اذیت کردن و برای ایراد درست کردن و برای مشکل فراهم کردن برای جمهوری اسلامی ایران؛ دشمنی اینها این جور است؛ تمام شدنی نیست.

این دشمنی‌ها ادامه پیدا میکند؛ تا کی ادامه پیدا میکند؟ تا وقتی شما قوی بشوید، تا وقتی ملت ایران آن چنان قوی بشود که دشمن مأیوس بشود از تهاجم سیاسی یا امنیتی یا نظامی یا اقتصادی یا تحریم و غیرذلک. باید ما قوی بشویم؛ باید در داخل، خودمان را قوی کنیم. بنده مکرر عرض کرده‌ام این قوتی که برای کشور لازم است چه جوری تأمین میشود؛ اولاً از راه یک اقتصاد قوی؛ همین اقتصاد مقاومتی که سیاستهای آن ابلاغ شده است و بر روی زمین و به صورت کار عملی و عملیاتی و اجرائی هم باید با شدت هرچه تمام‌تر و بدون فوت وقت دنبال بشود؛ خوب یک کارهایی را دوستان ما در دولت دارند انجام میدهند بحمدالله؛ یکی این است که اقتصاد کشور قوی بشود، جوان کشور بیکار نماند، ابتکارهای جوانها روی زمین نماند؛ این یکی از راههایش است.

یک راه دیگر، توسعه‌ی علم است؛ کاروان علم شتاب خود را از دست ندهد، در علم پیشروی کنیم، همه چیز به علم وابسته است؛ این هم یکی از راههای تقویت است.

یکی از مهم‌ترین راههای تقویت درونی، حفظ روحیه‌ی انقلابیگری است در مردم؛ بخصوص در جوانها. سعی دشمنان این است که جوان ما را لابلای بار بیاورند، نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بار بیاورند، روحیه‌ی حماسه و انقلابیگری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه‌ی انقلابیگری را باید حفظ کند. و مسئولین کشور جوانهای انقلابی را گرامی بدارند؛ این همه جوانهای حزب‌اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت، باید به روحیه‌ی انقلابیگری تشویق کرد؛ این روحیه است که کشور را حفظ میکند، از کشور دفاع میکند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور میرسد. سه عامل اساسی اقتدار ملتی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه‌ی انقلابیگری در همه بخصوص در جوانها؛ اینها است که میتواند کشور را حفظ کند؛ آن وقت دشمن مأیوس خواهد شد.



آمریکا دشمنی خودش را پنهان هم نمی‌کند. بله، تقسیم وظایف میکنند؛ یکی لب‌خند می‌زند، یکی مصوبه علیه جمهوری اسلامی تهیه می‌کند و دنبال میکند؛ این به نحوی تقسیم وظایف است. دنبال چیزی به نام مذاکره‌ی با ایرانند؛ [اما] مذاکره بهانه است، مذاکره وسیله برای نفوذ است، مذاکره وسیله برای تحمیل خواستها است. ما فقط در قضیه‌ی هسته‌ای به دلایل مشخصی که مکرر هم این دلایل را ذکر کرده‌ایم، موافقت کردیم بروند مذاکره کنند؛ خوب مذاکره کردند. بحمدالله مذاکره‌کنندگان ما هم در این عرصه خوب ظاهر شدند؛ اما در عرصه‌های دیگر ما اجازه‌ی مذاکره ندادیم و با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؛ با همه‌ی دنیا ما مذاکره می‌کنیم، [اما] با آمریکا نمی‌کنیم. ما اهل مذاکره‌ایم، اهل تفاهیمیم؛ هم مذاکرات در سطح دولتها، هم مذاکرات در سطح اقوام، هم مذاکرات در سطح ادیان؛ ما اهل مذاکره‌ایم و با همه مذاکره می‌کنیم جز با آمریکا؛ و البته رژیم صهیونیستی بجای خود محفوظ که اصل وجود رژیم صهیونیستی، وجود نامشروع و دولت جعلی است.

یک جمله راجع به رژیم صهیونیستی عرض بکنیم؛ بعد از اتمام این مذاکرات هسته‌ای، شنیدم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغه‌ی ایران آسوده‌ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را می‌کنیم. بنده در جواب عرض می‌کنم اولاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدت هم روحیه‌ی اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت؛ این را بدانند. ملت‌ها بیدار شده‌اند، میدانند دشمن کیست؛ حالا دولتها و بوقهای تبلیغاتی و مانند اینها می‌خواهند جای دشمن و دوست را عوض کنند، [اما] به جایی نمی‌رسد. ملت‌ها - ملت‌های مسلمان، بخصوص ملت‌های منطقه - حواسشان جمع است و میدانند. خوب، این وضع رژیم صهیونیستی و آن هم [وضع] آمریکا.

یک جمله در باب مسئله‌ی انتخابات عرض بکنیم. (۵) مسئله‌ی انتخابات یکی از مسائل فعلی و نقد ما است. البته برخی متأسفانه از ۵/۱ سال پیش، دو سال پیش از انتخابات شروع کردند مسائل انتخابات را مطرح کردن؛ این به نظر ما مصلحت نیست؛ فضای کشور را بی‌موقع نباید فضای انتخاباتی کرد؛ از ۵/۱ سال پیش - که تقریباً دو سال به انتخابات امسال مانده بود که آخر سال است - بعضی‌ها شروع کردند در مطبوعات و در حرف‌ها، راجع به انتخابات حرف زدن، بحث کردن. وقتی فضای انتخاباتی در کشور به وجود می‌آید، بسیاری از مسائل اصلی جامعه به حاشیه می‌رود و فراموش می‌شود. خوب، فضای انتخابات، فضای رقابت و تعارض است؛ ما چرا بیخود این فضای رقابت را، فضای تعارض را، بکشاییم به یک سال دو سال قبل؟ شروع زودهنگام این بحث‌ها به نظر ما مصلحت نیست. لکن حالا چرا؛ الان که سه چهار ماه مثلاً به انتخابات باقی است، جای آن است که راجع به انتخابات عریضی عرض بشود. حالا من امروز برخی از نکات را عرض می‌کنم و در آینده هم اگر عمری بود و زنده بودیم، عریضی در باب انتخابات خواهیم داشت.

مسئله‌ی انتخابات برای کشور، مسئله‌ی بسیار مهمی است. انتخابات، مظهر کامل حضور و انتخاب مردم است. مردم با حضور خودشان در صحنه‌ی انتخابات - چه در انتخابات ریاست جمهوری، چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، چه در انتخابات مجلس خبرگان - مردم سالاری واقعی را در این کشور شکل می‌دهند؛ این خیلی مهم است. ما این را در طول این ۳۶ سال، ۳۷ سال که از اوّل انقلاب گذشته است، نگذاشتیم تعطیل بشود یا تأخیر بیفتد. در کشورهای گوناگون وقتی جنگ میشود یا یک حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، انتخابات را عقب می‌اندازند، [اما] در ایران انتخابات یک



روز از موعد مقرر خودش عقب نیفتاده است؛ در هیچ برهه‌ای از برهه‌ها. تهران بمباران میشد، شهرهای خوزستان و ایلام و کرمانشاه و بقیه‌ی جاها بمباران میشد، در عین حال انتخابات در موعد معین انجام میگرفت. در اقصی نقاط کشور همین جور بود؛ در روستاها و [حتی] در جاهایی که رفت و آمد سخت است. انتخابات در این کشور تعطیل نشده است. بعضی میخواستند تعطیل کنند انتخابات را - در بعضی از دوره‌ها برخی از آدمهای سیاست‌باز و سیاست‌زده سعی‌شان این بود که انتخابات را تعطیل کنند یا عقب بیندازند - [اما] به توفیق الهی جلوی اینها گرفته شد و انتخابات در موعد معین انجام گرفت. این اهمیّت انتخابات است. خب، به همین دلیل هم هست که بحمدالله انتخابات ما مظهر مردم‌سالاری است.

نظام جمهوری اسلامی یک نظام مردم‌سالار به معنای واقعی است. خب، دشمن البته حرف میزند؛ آمریکایی‌ها و عوامل تبلیغاتی‌شان دائماً علیه انتخابات ما به شکلهای مختلف حرف میزنند. آمریکایی‌ها ۲۵ سال در دوران رژیم طاغوت، در ایران حضور داشتند، [اما] مجلسهای شورای فرمایشی و مسخره‌ی آن روز، یک بار مورد انتقاد آمریکایی‌ها قرار نگرفت. اگر به تاریخ مراجعه کنید و قضایای انتخابات دوران محمدرضا را بخوانید - و قبل از آن هم بدتر از آن، دوران رضاشاه - [اول] که انگلیس‌ها در اینجا مسلط بودند و بعد هم آمریکایی‌ها مسلط شدند، یک بار به این انتخابات فرمایشی نمایشی مسخره اعتراض نکردند؛ الان هم به رژیمهای مستبد و دیکتاتور و وراثتی‌ای که در این منطقه هست، یک کلمه اعتراض نمیکنند، اما به ایران که این جور پشت سر هم انتخابات انجام گرفته است و همه‌ی ارکان نظام - از رهبری نظام و رئیس جمهوری نظام، تا نمایندگان مجلس، تا نمایندگان خبرگان، تا نمایندگان شوراهای شهری - به وسیله‌ی مردم انتخاب میشوند، دائم اعتراض میکنند، اشکال میکنند، ایرادهای دروغین میکنند.

انتخابات‌های ما بحمدالله در این مدّت، انتخابات‌های سالمی بوده است. نکته‌ای که بنده می‌خواهم عرض بکنم این است که انتخابات‌های ما انتخابات‌هایی بوده است که برطبق معیارهای متعارف بین‌المللی، یکی از بهترین و سالم‌ترین انتخابات بوده است با نصاب شرکت بالای مردم. متأسفانه یکی از عاداتهای بدی که بعضی در داخل دارند، این است که دائماً در سلامت انتخابات در هر دوره‌ای خدشه کنند. از قبل از انتخابات مکرر دم بزنند از تقلب، از دغدغه، از اینکه چنین بشود، چنان بشود؛ این کار غلطی است. در طول این ۳۷ سال، مردم به خاطر اعتمادی که در دوره‌های مختلف و دولتهای مختلف به نظام داشتند، در عرصه‌ی انتخابات شرکت کردند، حضور پرشور پیدا کردند. چرا بعضی‌ها به دست خودشان این اعتماد را می‌خواهند خدشه‌دار کنند؟ مردم به نظام اعتماد دارند. وقتی انتخابات هست، می‌آیند وارد انتخابات میشوند و رأی میدهند؛ چرا انسان بایستی این را خدشه‌دار بکند با دغدغه‌های بیخود و دروغین که نبادا [تخلفی بشود]. خب، معلوم است؛ اجازه داده نمیشود؛ مراقبتهای شدید انجام میگیرد. یکی از بزرگ‌ترین برکات وجود شورای نگهبان همین است که مراقبند؛ مراقب خطا و اشتباهند و اجازه نمیدهند تخلفی انجام بگیرد؛ دیگر دستگاه‌ها هم همین جور. در طول این سالها هم گاهی در بعضی از دوره‌ها به ما گزارش میشد که انتخابات اشکال پیدا کرده است؛ ما دستور میدادیم میرفتند تحقیق میکردند، معلوم میشد که نخیر، این جوری نیست. گاهی ممکن است در گوشه‌وکنار یک تخلفی انجام بگیرد که در نتیجه‌ی انتخابات هیچ تأثیری نداشته باشد - آن مهم نیست - [اما] انتخابات در همه‌ی دوره‌ها سالم است.

رأی مردم هم به معنای واقعی کلمه حق‌التّاس است؛ حق‌التّاس است. وقتی می‌آید برادر و خواهر ایرانی در انتخابات شرکت میکند و رأی در صندوق می‌اندازد، رعایت این حقّ او واجب شرعی است، واجب اسلامی است؛ در این امانت او نباید خیانت کرد؛ واقعاً حق‌التّاس است. نتیجه‌ی آراء هم هرچه شد، بایستی به آن ملتزم بود؛ این هم



حق‌التاس است. اینکه ما در سال ۸۸ در مقابل کسانی که اصرار میکردند باید انتخابات باطل بشود ایستادیم، به خاطر همین بود که از حق‌التاس دفاع کردیم. چهل میلیون [نفر] - بالاترین نصاب انتخابات - در سال ۸۸ [دادن] آراء شرکت کردند. خب، یک نتیجه‌ای داد. هر کسی [هم] برنده‌ی این انتخابات میشد، ما همین جور می‌ایستادیم، دفاع میکردیم. بنده از حق‌التاس دفاع کردم، از حق مردم دفاع کردم. باز هم هر وقتی که مردم رأی بدهند - به هر کسی که مردم بیسندند و بپذیرند و رأی بدهند - بنده از رأی مردم دفاع خواهم کرد؛ پشت سر مردم خواهم ایستاد. رأی مردم حق‌التاس است. ما بیخود این اعتمادی را که مردم به نظام دارند، با حرفهای بی‌منطق مخدوش نکنیم. گاهی به وزارت کشور ایراد میگیرند، گاهی به شورای نگهبان ایراد میگیرند.

شورای نگهبان، چشم بینای نظام برای انتخابات است؛ در همه‌ی دنیا هم یک چنین چیزی وجود دارد - حالا اسمش چیز دیگر است؛ اینجا اسمش شورای نگهبان است - مراقبند، ببینند آن کسی که وارد میدان انتخابات میشود، نامزد انتخابات میشود، آیا صلاحیت دارد یا نه؛ و باید احراز کنند صلاحیت را؛ اگر دیدند که کوتاهی شده است و آدمی که صلاحیت ندارد وارد شده، جلوبش را میگیرند؛ این حق آنها است، حق قانونی آنها است، حق عقلی و منطقی آنها است؛ بعضی بیخود ایراد میکنند. بخشی از این حق‌التاس، همین حق رأی شورای نگهبان است؛ همین حق نظارت استصوابی و مؤثر شورای نگهبان است؛ این جزو حق‌التاس است، این را باید رعایت کرد، این را باید حفظ کرد. انتخابات مهم است. این عرض فعلی ما درباره‌ی انتخابات است.

البته من اعتقاد به حضور پُرشور مردم دارم؛ معتقدم کشور را این [حضور] حفظ میکند. در آینده هم اگر زنده بودیم، در این باره باز بیشتر صحبت خواهم کرد.

آنچه به شما برادران و خواهران عزیز مؤکداً عرض میکنم، این است که بدانید جمهوری اسلامی ایران با این مردم، با این منطق، با این قانون اساسی بر همه‌ی دشمنانش پیروز خواهد شد. شرطش این است که به خدای متعال توکل کنیم، با همدیگر دست برادری و یگانگی‌مان را مستحکم کنیم، در کشور دودستگی ایجاد نکنیم، همدیگر را تضعیف نکنیم. اگر این جور رعایت بکنیم، خدای متعال هم رعایت خواهد کرد. هر کسی که اسلام را نصرت کند، خدای متعال او را نصرت خواهد کرد.

پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائت محشور کن؛ روح شهدای عزیز ما را با اولیائت محشور کن. پروردگارا! برکات و الطاف خود را به‌طور روزافزون بر این ملت مؤمن و صالح نازل بفرما.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(۱) آیت‌الله شهید سیداسدالله مدنی

(۲) ژنرال رابرت هایزر

(۳) سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «... طبقه‌ای از آنان را زبون میداشت، پسرانشان را سر میبرید و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای میگذاشت...»

(۴) از جمله، صحیفه‌ی امام، ج ۱۰، ص ۴۸۹؛ سخنرانی درباره‌ی توطئه‌ی آمریکا (۱۳۵۸/۸/۱۴)

(۵) دهمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره‌ی انتخابات مجلس خبرگان رهبری، در اسفند



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

سال جاری برگزار خواهد شد.